

تحولات دینداری در ایران

(خلاصه و تلفیق یک مقاله و یک سخنرانی از مقصود فراستخواه^۱)



پارمیدا عطاری

دانشجوی کارشناسی ارشد ایران‌شناسی
دانشگاه تهران

آفاق فکری جدید بشر سبب شده است تأملات بی‌سابقه‌ای در باب دین به میان بیاید. چگونه می‌شود در دنیای کنونی زیست ولی از آفاق فکری آن طفره رفت؟ حداقل چیزی که از دینداران و نهادهای دینی انتظار می‌رود این است که بدانند در این آفاق نوپدید فکری، دین ورزیدن محل چه نوع پرسش‌هایی قرار می‌گیرد و چگونه توضیح داده می‌شود. کسی که در این آفاق به سر می‌برد، حتی اگر هم بخواهد دین‌ورزی بکند، صور دین‌باوری و دینداری او با دنیای پیشین متفاوت خواهد بود. پس فهمیدنی است که در باب دین ورزی از این افق‌های جدید باید بحث بشود.

۱) دین‌ورزی در زندگی روزمره

دین‌ورزی واقعی همان است که در زندگی روزمره مردم در خانه‌ها و کوی و برزن و میهمانی‌ها و مناسبات جریان دارد. دین نیز یک واقعیت اجتماعی است. دین‌ورزی مردم به صورت اجتماعی بر ساخته می‌شود و در میان گروه‌های مختلف اجتماعی و در زمان‌ها و شرایط مختلف فرق می‌کند.

۲) تحول و تکثر دین‌ورزی

دین‌ورزی ما آن نیست لزوماً که در سطح ایدئولوژیک به آن اشاره می‌شود، بلکه آن است که پا به زندگی روزمره ما می‌گذارد. دین بیش از آن که یک امر پیشینی باشد، به صورت پسینی در زندگی و فرهنگ ما حضور می‌یابد.

۳) تفاوت دین‌ورزی در سه زمان پیشامدرن، مدرن و پسامدرن

گروه‌های مختلف به نسبت اینکه در زمان‌ها و مکان‌های پیشامدرن، مدرن یا مدرن زندگی می‌کنند، باورها، اعمال و نهادها و مناسبات دینی‌شان نیز کم و بیش متفاوت می‌شود. نمی‌شود دینداری در دنیای مدرن را که دنیای نقد سنت‌هاست، به چوب احکام دنیای ماقبل مدرن، پیش راند. اگر انبیا و اوصیا نیز به این دنیای مدرن می‌آمدند، درک دیگری داشتند و طور دیگری عمل می‌کردند. خدایی هم که بنابر اعتقاد، مردم را مکلف به دینداری می‌کند، تکلیف مالایطاق نمی‌کند و تکلیف او به قدر وسع مردمان است. مردمان مدرن، طاقت دین‌ورزی و دین‌باوری پیشامدرن را ندارند و تکلیف مالایطاق آن‌ها، تحکم‌آمیز، خلاف عدالت و غیر اخلاقی است.

در دنیای مابعد مدرن، دیگر یک سوژه مطلق نداریم. ما سوژه‌ای هستیم که با متن‌ها و دیگر سوژه‌ها گفتگو می‌کنیم و تفسیرهای مختلفی به دست می‌دهیم. تلقی‌ها و روایت‌های مختلفی از دین هست که نمی‌توان از آن طفره رفت و دین‌داری همین روایت‌های مختلف از دین است.

۴) میانجیگری ذهن و زبان در کار دین‌ورزی

در دنیای ماقبل مدرن، این فرض غالب بود که حقایقی ناب هست و کسانی به آن دست می‌یابند. در دنیای مدرن، این

۱) مقصود فراستخواه (۱۳۳۵-) جامعه‌شناس و استاد برنامه‌ریزی توسعه آموزش عالی در مؤسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی

بحث به میان آمد که آگاهی‌های ما ناب نیست چون تحت تأثیر ذهن ماست. در جهان «مابعد مدرن»، موضوع دیگری مطرح شد و آن این بود که دعاوی ما (و از جمله دعاوی دینی ما) محصول زبان ما هستند.

حیوانات در عالم غریزه زندگی می‌کنند و انسان‌ها در عالم آگاهی و زبان خویش. نمی‌شود از انسان‌ها انتظار داشت بدون وساطت ذهن و زبان خویش، خدا را بپرستند و دین را باور بدارند و به آن عمل بکنند. دینداری مردم به‌ناگزیر با پروژه آگاهی بشر و راهبردهای زبانی او پیوند می‌خورد. ما انسانیم و همه آرای ما و از جمله دین باوری‌های ما کم و بیش خصلت گفتمانی دارد و گفتمان‌ها نیز آغشته به صور و انحای قدرت هستند و مقدس نیستند و موضوع تحلیل و نقادی در حوزه عمومی هستند.

ساخت اجتماعی دین‌ورزی در تغییر است

ساخت اجتماعی واقعیت در این روزگار شبیه گذشته نیست و سبک‌های زندگی متنوع ساخته شده‌است. آنچه در زندگی روزمره و زیست جهان امروز در حال ساخته شدن است، تکثر است. حیطة امکانات و آزادی بشر افزایش می‌یابد. فهمیدن امور و زیستن، میل به واگرایی می‌کند. زندگی و فرهنگ، سیال و ارتباط‌گرا می‌شود. بسیاری امور نه یکسره محلی به معنای پیشامدرن آن هستند و نه جهانی به معنای مدرن آن، بلکه جهانی و در همان حال محلی هستند. ساخت اجتماعی دین‌ورزی نیز پایه‌پای این تحولات، در تغییر و تبدل است. همه چیز معروض نقد می‌شود. این‌طور نیست که نقدپذیری، توصیه‌ای اخلاقی باشد، بلکه گشودگی به نقد، اقتضای ساخت اجتماعی امروزی است. راهی جز این نیست. ساخت اجتماعی امروز، مرکز‌گرای است و چندذهنی و میان‌ذهنی. دیگر یک ذهن ناب نداریم. پس انحصارگرایی دینی نیز رنگ می‌بازد. دین‌ورزی بیش از آنکه یک قید یا اجبار باشد، یک امکان تلقی می‌شود و در بازار عرضه می‌شود و حسب تقاضاها و علایق و ذائقه‌ها رونق می‌گیرد یا کسادی می‌یابد. کسانی به مکان‌های دینی می‌آیند چون احساس نیاز می‌کنند و کسانی دیگر نه. در این دنیای متکثر، بنیادگرایی هم می‌تواند زندگی بکند و ظهور اجتماعی داشته باشد؛ اما در کنار دیگر رویکردها. بنا به ساخت زندگی اجتماعی امروز، دین در مرکز آگاهی نیست. این در حالی است که در جامعه گذشته، دین نوعاً هم مافوق نهادها بود و هم مرکز آگاهی بشر. اما اکنون تقسیم کار اجتماعی به‌وجود آمده و کارها تخصصی شده‌اند. همان‌طور که دین، سلطه عینی و نهادی ندارد، سلطه ذهنی هم ندارد. انسان‌ها حتی وقتی در مناسک آیینی به‌سر می‌برند، انواع مراکز آگاهی دارند. شما هرچه هم فردی مذهبی هستید، ولی به حیطة‌های مختلف ذهنی و نهادی تعلق دارید. شاید در حیطة علم‌ورزی، برای توضیح امور نیازی به فرضیه خدا نمی‌بینید. یعنی در علم، نوعی بی‌خدایی روش‌شناختی در پیش می‌گیرید. شما فردی مذهبی هستید اما در ذهن شما، دین جایگاه تک‌مرکزی ندارد چون در کنار دین، مراکز دیگری از آگاهی مانند هنر و علم و اخلاق هست. خیلی وقت‌ها شما اخلاقی زندگی می‌کنید بدون اینکه آن اخلاقیات به یک الهیات و شرعیات وابسته باشد. خوب و بد را تعیین می‌کنید بدون اینکه اساساً وجه دینی آن‌ها مد نظرتان باشد.

نمونه‌ای از رویکرد پسامدرن به دین چیزی است که دریدا^۲ آن را «دین بدون دین» می‌نامد. کاپوتو^۳ در این باب بحث کرده‌است. وی مصاحبه‌ای با دریدا با عنوان «حرف حساب شالوده‌شکنی» داشته که حاکی از تأیید دریدا از بسیاری از این روایت‌هاست. این اصطلاح دین بدون دین، استعاره بسیار خوبی است برای توضیح دین‌ورزی امروزی. دین بدون دین یعنی آنگاه که انسان پسامدرن نوعی دل‌نگرانی مبهم از نوع دینی دارد، باز هم در او تمایلی برای عبور از «شالوده دین» در گفتارها و نهادهای موجود دیده می‌شود. برگر^۴ کتابی به نام *ذهن بی‌خانمان* دارد. در آنجا، توضیح می‌دهد که ذهن انسان امروز چگونه بی‌خانمان شده‌است. انسان در گذشته، سایبان مقدس می‌خواست که در پناه آن زندگی کند. خدا معنای معناها بود و انسان

۲) ژاک دریدا Jacques Derrida (۱۹۳۰-۲۰۰۴) فیلسوف الجزایری تبار فرانسوی.

۳) جان دیوید کاپوتو John David Caputo (۱۹۴۰-) فیلسوف آمریکایی و استاد دانشگاه سیراکیوز.

برای معنا دادن به واپسین دل‌نگرانی‌های وجودیش، خدا را می‌جست. این سادگی دنیای قدیم، امروز وجود ندارد؛ اما ذهن بی‌خانمان امروزی نیز ممکن است برای برون شدن از این کثرت آشفته، بخواهد از فکر تفرقه باز آید و مجموع بشود و به نوعی ایمان و دین‌ورزی بگراید، اما این امر کم‌وبیش با ابهامات دنیای پسامدرن مواجه و درگیر خواهد بود و به احتمال زیاد خواهد خواست که از شالوده دین در گفتارهای رسمی بگریزد.

پس دین‌ورزی هست؛ اما نه لزوماً بر یک منوال واحد. گفتارهای متکثر، شالوده ساختارها را می‌شکنند. شالوده‌ها وا می‌شوند. معانی از قفس متن‌ها بیرون می‌روند. خوانش‌ها متکثر می‌شوند. نسل‌هایی تازه در جستجوی گنهی «متمایز» و «دیگر» از ایمان هستند و این همان چیزی است که دریدا «دین بدون دین» تعبیر می‌کند. اگر بخواهیم این را به زبان مایستر اکهارت^۴ بیان کنیم؛ انسان از درگاه خدا می‌خواهد که او را از خدا رهایی بخشد، خدا را ورای فهم جستجو می‌کند و آنگاه که چیزی را به عنوان خدا می‌فهمد، هرگز نمی‌تواند به آن اعتقاد پیدا کند. این چیزی است که در عرفان ما هم آمده‌است؛ حق تعالی ورای فهم و زبان ماست.

وضع دین‌باوری و دینداری در ایران

وضع دین‌باوری و دینداری در ایران، دارای وجوه مختلف و پیچیده و حتی ناسازی است و خود را با چند نمود اجتماعی آشکار می‌سازد.

۱) جمعیت دیندار و متغیرهای جنسیتی و سنی

درصد بالایی از مردم در پیمایش‌ها اظهار کرده‌اند که خود را در مجموع قائل و عامل به دین می‌دانند. این داده‌ها شاید با نظریهٔ اینگلهارت^۵ قابل توضیح باشند. جمعیت بزرگی از دینداران در مقیاس جهانی شکل می‌گیرد و حتی با استفاده از امکانات مدرن، خود را بازتولید می‌کند. دین‌باوری و دینداری زنان به طرز معناداری چند درصدی بیش از مردان بوده‌است. دینداری زنان در چرخه‌های بعدی رشد «جمعیت دینداری» -مثلاً از طریق نقش آنها در تربیت فرزندان- عامل مؤثری در رشد دینداری است. شواهد نشان می‌دهد که مادران بیش از پدران در فعالیتهای تحصیلی بچه‌ها و نیز زندگی روزمره آنها حضور دارند و مشارکت می‌کنند و روحیات آنها در فرزندان بازتولید می‌شود. وجه جمعیتی دینداری از طریق خانواده‌ها و مدارس و طی فرایند اجتماعی شدن، به فرزندان منتقل می‌شود. نسل کم‌سن‌وسالتر بیشتر مذهبی هستند. اما عوامل بعدی «رسانه‌ای و ارتباطی» دنیای امروز نیز در مجموع، بازتابی از فرایندهای عرفی شدن هستند و تأثیرات خاص خود را دارند. طبق تحقیقات ایرانی، هرچه سن جوانان دانشجو افزایش می‌یابد، دینداری آنها ضعیف‌تر می‌شود، آنها تمایل کمتری به انجام مناسک و شعائر دینی نشان می‌دهند و حضورشان در نهادهای دینی نیز کمتر می‌شود.

۲) تفاوت‌های نسلی

هرچند دلیل مطمئنی از گسست یا حتی تعارض نسلی در دین‌ورزی ایرانیان در دست نیست، اما وفاق نسلی نیز وجود ندارد. قدر مسلم این است که نوعی شکاف نسلی در حوزهٔ دین‌ورزی به چشم می‌خورد. الگوی دین‌ورزی جوانان تفاوت‌هایی با قالبهای متعارف دین‌باوری و دینداری در کل جمعیت دارد؛ چندان در قالبهای رسمی و دستوری نیز نمی‌گنجد. شاید یکی از سرچشمه‌های تلقی شایع از بی‌دین شدن جوانان همین بوده‌است.

۴) پیتر لودویگ برگر Peter Ludwig Berger (۱۹۲۹-۲۰۱۷) جامعه‌شناس و دین‌شناس اتریشی آمریکایی.

۵) اکهارت فُن هوخهایم Eckhart von Hochheim (۱۲۶۰-۱۳۲۷) مشهور به Meister Eckhart (به معنی استاد اکهارت) دین‌شناس، فیلسوف، عارف، شاعر و خطیب مسیحی آلمانی در قرون وسطی که تکفیر و اعدام شد.

۶) رانلد اینگلهارت Ronald Inglehart (۱۹۳۴-) استاد علوم سیاسی دانشگاه میشیگان.

نتایج برخی تحقیقات حاکی از شواهدی مبنی بر کاهش تمایل جوانان به مناسک جمعی دینی است؛ قدر مسلم این است که گرایش آنها به برخی مناسک دینی یا شبه‌دینی نیز در چارچوب‌های سنتی قابل توضیح نیست. آنها به شکلی کاملاً اقتضایی و برحسب نیازهای نوپدید خود، به مناسکی مانند مدیتیشن، به نمادهایی مانند ساری‌بابا، به شبه‌عرفان‌ها و به عقایدی مانند تناسخ علاقه نشان می‌دهند.

ضمناً آن بخش از مناسک جمعی دینی که به نوعی با عنصر گذران اوقات فراغت قرین است، حاشیه‌های سرگرم‌کننده دارد و فرصتی برای ارتباطات اجتماعی با همالان و دوستان و تظاهرات سبک زندگی برای آنها فراهم می‌آورد (مانند مراسم دهه اول محرم)؛ همچنان مورد توجه و علاقه بخش قابل توجهی از جوانان است، درحالی‌که چنین استقبال از سایر مناسک عبادی‌تر جمعی مانند نماز جماعت وجود ندارد.

۳) قشربندی اجتماعی

روندهای دینداری برحسب قشربندی اجتماعی نیز قابل توضیح است. کم و کیف دینداری با پایگاه اجتماعی (مانند تحصیلات، درآمد، شغل و سبک زندگی) ارتباط دارد. شرکت دانشجویان در مناسک جمعی دینی به طرز معناداری از غیر دانشجویان کمتر است. جوانان دارای پایگاه اجتماعی پایین و متوسط، نسبت به جوانان با پایگاه اجتماعی بالا، دیندارترند. انجام فرایض دینی در میان گروه‌های «کمتر تحصیلکرده» در مقایسه با گروه‌های «بیشتر تحصیلکرده» از فراوانی معنادار بیشتری برخوردار است.

در مجموع، افراد با پایگاه اجتماعی پایین، دیندارتر از افراد با پایگاه اجتماعی بالا هستند. افراد وابسته به پایگاه‌های پایین بیش از پایگاه‌های بالا و متوسط به تیپ «مسلمانی انقلابی» گرایش دارند. در بعضی تحقیقات ایرانی، نظریه اینگلهارت مبنی بر رابطه دینداری با احساس «عدم امنیت حیاتی» تأیید شده است. بیشتر دینداران کسانی بودند که به نوعی با عدم احساس امنیت وجودی بشر (در قبال سیل، زلزله، بیماری، فقر و بحران‌ها) دست‌به‌گریبان بودند.

در عین حال، طبقات متوسط و جدید شهری برحسب مشاغل، آموزش‌ها، سبک زندگی، روابط و سرمایه‌های فرهنگی نوین خود؛ روایت‌ها، رویه‌ها و ترم‌های تازه‌ای از دین‌باوری و دینداری را دنبال می‌کنند و ترویج می‌دهند که از بسیاری جهات با نوع سنتی دینداری و عقاید و تفاسیر متولیان و نهادهای رسمی مذهبی متفاوت است.

از جمله تمایزهای دین‌ورزی در میان طیف قابل توجهی از طبقه متوسط جدید شهری در ایران عبارتند از: ۱- اهمیت هویت و استقلال فردی در امر دینداری، ۲- اهمیت دادن به جوهره معنوی دینداری، ۳- سنجش دینداری با محک اخلاق جهان-شمول انسانی و حقوق بشری، ۴- کثرت‌گرایی، ۵- عدم سرسپردگی به نهادهای سنتی و متولیان رسمی دین، ۶- رویکرد مدنی و آزادی خواهانه، ۷- عرف‌گرایی، ۸- قائل بودن به مقتضیات و ۹- درک مسالمت‌آمیز و غیرخشونت‌آمیز از دین‌ورزی.

۴) تحول در الگوی دین‌ورزی

پژوهش‌های متعددی حاکی از آن است که دین‌ورزی در ایران تا جایی که بحث بر سر «قائل بودن» به دین است، همچنان در حد بالاست؛ ولی چون نوبت به «عامل بودن» به دین می‌رسد، شاخص پایین می‌آید. به‌ویژه شاخص انجام اعمال جمعی عبادی پایین‌تر است. بر مبنای پیمایش‌های ملی رسمی، نخستین و بالاترین گروه رفتارهای دین‌ورزی در ایران به سه امر اختصاص دارد: الف) ابعاد ذهنی و شخصی درونی و گرم از دین مانند توکل، ب) آن بخش از شریعت که با ریتم زندگی خانواده و روابط گرم اجتماعی مانند میهمانی و برخی ذوقیات درآمیخته و بازاری برای خود ایجاد کرده و به‌طور مشخص، در ماه رمضان و روزه خود را نشان می‌دهد. پ) مناسک مذهبی گرم و پر احساس با حاشیه‌های سرگرم‌کننده یا نمایشی و اجتماعی.

نکته مهمی که در پیمایش‌ها خود را نشان می‌دهد آن است که اکثر پاسخگویان با وجود اینکه خود اظهار می‌دارند به دین قائلند و کم‌وبیش به آن عمل هم می‌کنند، اما معتقدند که دینداری در ایران با نوعی مشکل و حتی روند نزولی دست‌به‌گریبان است و این مشکل در آینده، بیشتر هم خواهد شد.

اما مسأله دین‌ورزی در ایران فقط کم شدن انجام مناسک نیست بلکه شاهد روندی عمیق و پدیده‌مانند در الگوی دین‌ورزی ایرانیان هستیم؛ به حدی که برخی محققان از بررسی خود به این نتیجه رسیده‌اند که نوعی تازه از «دین‌ورزی بی‌شکل» در وضعیت دینداری جوانان دانشجویان دارد. محققان دیگر حتی مفهوم «خصوصی شدن دین» را چندان گویای واقعیت دین‌ورزی دانشجویان ندیده‌اند؛ بلکه این مفهوم «شخصی شدن دین» است که می‌تواند دین‌ورزی آنان را توضیح بدهد. تحقیقات حاکی از نوعی دین‌ورزی «بی‌شکل، شخصی‌شده و اقتضایی» در میان جوانان است که برخی از ویژگی‌های آن عبارتند از:

۱- تغییرات شایع در پای‌بندی به مناسک دینی جمعی

۲- تحول در نگرش در باب رجوع به روحانیت در مسایل سیاسی-اجتماعی

۳- اختلاف و کثرت دیدگاه‌ها در باب دین و سیاست

۴- تحول خواهی و تکثرگرایی

۵- کم‌رنگ شدن عمل به رساله در معنای سنتی

۶- ضرورت نقد اندیشه دینی

۷- ضرورت بازنگری در معرفت دینی

۸- آزادی عمل و اختیاری بودن دینداری.

برای مثال، بنابر یک تحقیق در جامعه‌ای آماری از جوانان دانشجویی که ۷۰ درصدشان اظهار می‌دارند به دین قائل هستند، به همان میزان نیز قائل به اختیاری بودن پوشش دینی دختران و عدم دخالت دولتی در آن هستند. بخش بزرگی از حیات دینی در جامعه، خود را جدا از نهادهای رسمی؛ به صورت متفاوت، متکثر و سیال تعریف می‌کند و به‌طور موازی و یا مقاومت‌آمیز در پایین جامعه شیوع می‌یابد. محققان از این، به‌مثابه «دین عامه» و «دین خاموش» بحث و آن را واکنشی در برابر «دین رسماً نهادمندشده مضاعف» تلقی کرده‌اند.

۵) ابعاد سیاسی دینداری

آن اجماع و اتفاق نظر بالایی که بنابر نتایج پیمایش‌ها و تحقیقات دو دهه ۷۰ و ۸۰ در امر قائل بودن و عامل بودن مردم به دین از سوی آنها اظهار شده، وقتی نوبت به دیدگاه‌های سیاسی مرتبط با دین می‌رسد، اصلاً دیده نمی‌شود. به عبارت دیگر، مردم با وجود اشتراک زیاد کلی در مبانی اعتقادی و حتی تجربی، عملی و مناسکی دین؛ دارای دیدگاه‌های به‌طرز محسوس متفاوتی در ارتباط دین و دولت هستند.

در بخشی از جامعه، رفتارها و تظاهرات مذهبی، کم‌وبیش در چارچوب‌های رسمی ظاهر می‌شود؛ اما اکثر طبقات متوسط و جدید شهری الگوهایی اقتضایی‌تر و چندتکه‌تر از دین‌ورزی دنبال می‌کنند که از بسیاری جهات با تفاسیر نهادهای رسمی مذهبی و ایدئولوژی دولتی تفاوت دارد و حتی گاهی با مقاومت و احیاناً اعتراض مدنی همراه است.

۶) ابعاد هویتی دینداری

دین هنوز هم یکی از وجوه بارز فرهنگ عمومی ایرانی است، اما حداقل در میان گروه‌هایی از جامعه، نمی‌تواند توضیح‌دهنده مستقلی برای هویت آنها باشد. گروه‌های جدید اجتماعی به هویت فردی، فکری، جنسیتی، نسلی، قومی، ملی و سبک زندگی دلبخواه خود حساس هستند و دین‌ورزی نیز برای آنها در این سمت‌وسو، معانی مثبت و منفی پیدا می‌کند.

۷) ابعاد ارتباطی و رسانه‌ای دینداری

از دیگر وجوه دین‌ورزی در جامعه، ابعاد رسانه‌ای و ارتباطی آن است. جلسات، هیأتها، حوزه‌ عمومی، نهادهای مدنی، مطبوعات، ارتباطات اجتماعی، کتب، رسانه‌های جمعی، اینترنت، وبلاگها و مانند آن؛ همه فضاهایی مشحون از بحث دینی، مبادلات معانی، و نمادها و حیات دینی در ایران پدید آورده‌اند.

شاهد حداقل پنج جریان متمایز رسانه‌ای و ارتباطی در جامعه کنونی مان هستیم:

- ۱- جریان رسانه‌ای ایدئولوژی رسمی دولتی (نمونه‌اش بخش غالب برنامه‌ها و محصولات وسیع صداوسیما و نیز وزارت ارشاد و سازمان تبلیغات اسلامی، ستادهای ائمه جمعه و جماعات و نهادهای مشابه در ادارات و دانشگاه‌ها و امثال آن است).
- ۲- جریان رسانه‌ای متعارف سنتی (نمونه‌اش هیأت‌های مذهبی سنتی و زیارت اماکن و بخشی از ارتباطات مرجعیت دینی مستقل از دولت و نیز حوزه مذهبی اهل سنت و اقلیتهاست).
- ۳- جریان رسانه‌ای روشنفکری دینی (حلقه‌ها، کتب، مجلات، آموزشها، اجتماعات و ارتباطاتی که تجددخواهان دینی دارند).
- ۴- جریان رسانه‌ای عامه‌پسند غیررسمی (مثالش در ارتباطات خودجوش مردم کوچه و بازار از طریق برخی مناسک و مناسبت‌های دینی است که لزوماً نه تابع چارچوب‌های رسمی دولت هستند و نه مقید به هنجارهای سنتی شناخته‌شده؛ و مصداقی از آن، برخی محصولات مداحی عامه‌پسندی است که گاهی در خیابان با صدای بلند از داخل خودروهای جوانان می‌شنویم).
- ۵- جریان رسانه‌ای نوپدید غیررسمی (مانند ارتباطات معطوف به معنویت‌گرایی، عرفان‌گرایی، شبه‌دین‌ها، فراروان‌شناسی، انرژی‌درمانی، یوگا، عرفان‌های سرخ‌پوستی و آمریکای لاتین، کتب و انتشارات راجع به تناسخ و...).

هر پنج جریان رسانه‌ای بازار پررونقی دارند. این نشان می‌دهد که دین در ایران نه تنها به نیروی غالب رسانه‌ای دولت و به قدرت و بودجه‌های هنگفت، مستظهر است؛ بلکه با انواع رسانه‌های آشکار و پنهان، سنتی و جدید یا تلفیقی و اقتضایی، نخبه‌گرایانه و عامه‌پسند، رسمی و غیررسمی، و نیز در ملأ یا در خفا؛ فضاهای ارتباطی مختلفی ایجاد می‌کند و فرهنگ و جامعه ما را پوشش می‌دهد.

نکته مهم برآمده از تحقیقات این است که جریان رسانه‌ای رسمی دولتی، به‌رغم انحصارات گسترده‌اش، نتوانسته‌است رسانه‌ها و ارتباطات دینی از نوع متعارف سنتی، روشنفکری، عامه‌پسند غیررسمی و عامه‌پسند نوپدید را به‌کلی از میان بردارد.

منابع:

- فراستخواه، مقصود؛ «فرا تحلیل تعداد ۵۶ تحقیق ایرانی در باب دین‌ورزی»، وبلاگ مقصود فراستخواه^۷، بهمن ۱۳۸۹.
- فراستخواه، مقصود؛ سخنرانی با عنوان «ساخت اجتماعی دین ورزیدن»، وبگاه انجمن جامعه‌شناسی ایران^۸، اسفند ۱۳۹۴.

7. <https://farasatkah.blogspot.com/1389/11/27/post-33/>

8. گزارش-نشست-ها/۳۶۸-گزارش-نشست-گروه-جامعه‌شناسی-دین/۱۱۸۴-ساخت-اجتماعی-دین‌ورزیدن <http://www.isa.org.ir/>